

## منشأ بی‌عفتی، رواج بی‌حیایی در جامعه است

در مورد رابطه بین حیا و ایمان این تذکر را عرض کنم که حیا و دین، خودش یک بحث مفصل است...



### رابطه حیا و ایمان

در مورد رابطه بین حیا و ایمان این تذکر را عرض کنم که حیا و دین، خودش یک بحث مفصل است. من فقط راجع به رابطه حیا با احکام یک اشاره کردم، و الا رابطه بین حیا و ایمان، رابطه بین حیا و دین یک رابطه بسیار دقیق و محکم است و این بحث معمولاً در مباحث معرفتی مطرح می‌شود. رابطه حیا با عقل و قلب و نفس و جوارح نیز هر کدام یک بحث مجزاست. این حیایی که در بحث ما هست، حیا جوارحی است. بعد هم حیا من الله، حیا من الخلق، حیا من النفس و مطالبی از این دست مطرح است.

### حیا، در رابطه تنگاتنگ با ایمان است

ما روایات بسیاری در این زمینه داریم که رابطه بین حیا و ایمان را مطرح می‌کند. یک روایتی را هم من اشاره کردم که از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که: **171#& لا إيمان لمن لا حياء له**; کسی که حیا ندارد، ایمان ندارد. اصلاً به طور کلی، حضرت ایمان را کأنه برحیا استوار می‌کند. در این باره ما در روایاتمان از امام باقر (علیه السلام) داریم که فرمود: **171#& أَلْحَيَاءُ وَالْإِيمَانُ مَقْرُونَانِ فِي قَرْنٍ وَإِذَا ذَهَبَ أَحَدُهُمَا تَبِعَهُ صَاحِبُهُ**; حیا و ایمان دو همراه هستند که هرگاه یکی از آنها برود دیگری بدنبالش خواهد رفت. یعنی حیا و ایمان به تعبیری با یک نخ، به هم پیوند دارند؛ مثل بند تسبیح که دانه‌ها را به همدیگر متصل کرده‌است. اینها تمام، جنبه‌های کنایی دارد و زیبا هم هست. اگر این پرده حیا دریده شود، دین هم رفته است. مطمئن باشید! علی (علیه السلام) می‌فرماید: **171#& لا إيمان و الحياء مقرونان في قرن و لا يفترقان**; حیا و ایمان دو همراهند که از یکدیگر جدا نمی‌شوند.

### اگر حیا برود دیگر از دین و ایمان خبری نیست

یک روایت از پیغمبر اکرم (ص) است: **171#& قال رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم): أَلْحَيَاءُ هُوَ الدِّينُ كُلُّهُ**; پیامبر اکرم (ص) فرمودند: حیا همه دین است. پیغمبر اکرم یک هوهوویت (این همانی) درست می‌کند. اصلاً دین همین حیا است. می‌خواهد بگوید که این را بدانید: اگر حیا برود دیگر از دین و ایمان خبری نیست؛ حتی در بُعد اعتقادی. چون الآن بحث من این نیست، آن را کنار می‌گذارم. خواستم این را بگویم که تأثیر حیا نه تنها بر بیشتر احکام است بلکه بر تمام دین تأثیر دارد. حتی نسبت به اصل دین؛ که باید در جای خودش بررسی شود. آیات درباره روابط خانواده، خیلی روشن است که مراقب باشید و نگذارید اطفالتان در خلوتگاه‌های شما سرزده وارد شوند. مراقب باشید که وقتی آنها می‌آیند شما در یک حالی نباشید که قباحت دارد. طوری نشود که پرده‌داری شود! پرده حیا فرزند را حفظ کنید و به اینها بیاموزید که با اجازه وارد شوند و سرزده وارد نشوند.

### هشدار و اعلام خطر!!

اما مطلب دوم: ما راجع به فرزند یک دستور داریم که من اول روایت را می‌خوانم بعد توضیح میدهم. **171#& عن جعفر بن محمد، عن أبيه، عن أبائه (عليهم السلام) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم): أَلْصَبِيُّ وَالصَّبِيَّةُ وَالصَّبِيَّةُ وَالصَّبِيَّةُ يُقَرَّبُ بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ لِعَشْرِ سِنِينَ**; از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که حضرت از پدرشان و ایشان از پدرانشان نقل کردند که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: پسر بچه! و پسر بچه! و پسر بچه! دختر بچه! و دختر بچه! و دختر بچه! وقتی به ده‌سالگی رسیدند بسترهایشان باید از همدیگر جدا شود.

فرمود: پسر بچه! و پسر بچه! و پسر بچه! بعد از آن، دختر بچه! و دختر بچه! و دختر بچه! خیلی مهم است که هرکدام را سه بار گفتند. رسول خدا چه می‌خواهند بگویند؟ وقتی به ده سالگی رسیدند بین بسترهای این‌ها فاصله بیندازید. یعنی دو پسر بچه ده ساله را در یک بستر نخواستارید! دو دختر بچه که ده ساله شدند را در یک بستر نخواستارید! دقت کنید اول می‌فرماید: پسرها را! بعد می‌گوید

دخترها را در این سن جدا کنید! این تکرار خیلی روشن و گویاست. اگر بخواهیم ضعیفش کنیم، بخاطر این است که حضرت می‌خواهد هشدار بدهد. اگر بخواهیم با انصاف‌تر برخورد کنیم، باید بگوییم: دارد اعلام خطر می‌کند! جهت این است که وقتی بچه به این سن می‌رسد، ممیز می‌شود. ده سالگی سنی است که بچه در آن غالباً ممیز می‌شود، تمییز می‌دهد و چشم و گوشش باز می‌شود. این رابطه تنگاتنگ ممکن است به پرده‌داری‌اش ضربه بزند و در نتیجه به پاکدامنی‌اش سرایت کند.

#### ریشه پاکدامنی حیاست

می‌گوید: عفت، پاکدامنی! ریشه عفت چیست؟ عفت از شاخه‌های حیاست. علی (علیه السلام) می‌فرماید: [#171](#); سَبَبُ الْعِفَّةِ الْخَيَاءُ؛ سبب پاکدامنی حیاست.

آنچه موجب پاکدامنی می‌شود، عبارت از پرده‌داریست، حیا است. حتی حضرت یک موازنه بین اینها برقرار می‌کند و می‌فرماید: [#171](#); عَلِيُّ قَدْرُ الْخَيَاءِ تَكُونُ الْعِفَّةُ؛ پاکدامنی به مقدار حیا و پرده‌داری است.

چون حیا جنبه کمی ندارد و مربوط به روح است. جنبه کیفی دارد، شدت و ضعف دارد. هر چه حیا شدیدتر باشد و پدر و مادر روی آن کار کردند، عفت و پاکدامنی فرزند بیشتر می‌شود. فرزند به مقدار حیایش، پاکدامنی پیدا می‌کند. اینکه عرض کردم در تربیت آنکه نقش زیربنایی دارد حیا است این است. در روابط گوناگون هم مطرح است که من الآن وارد این فضای محدود خانوادگی شدم. پدر و مادر باید دنبال این باشند که از همان کوچکی، مراقبت کنند که این پرده الهیه، این حیا که یک پوشش الهی بر روی روح انسان است و هر انسانی هم دارد، دریده نشود. باید روی آن کار کنند تا شکوفا شود. همه ما از نظر نهادمان موحد هستیم، اما بحث این است که اگر روی آن کار کنیم بالا می‌رود، کار نکنی از بین می‌رود؛ استعداد است، در وجود فرزند هست.

پیغمبر اکرم(ص) در این روایت، ده سالگی را فرمود؛ روایت مُرسلی هم شیخ صدوق (رحمة الله علیه) دارد که حتی در روایتی سن را کمتر نقل می‌کند. آنجا شش سال را نقل می‌کند. اینکه مسلم است، این است که وقتی بچه به این حد برسد - ما تعبیر می‌کنیم - چشم و گوش او باز می‌شود، باید مراقب این روابط بود. چشم و گوش او باز می‌شود. با این شدت پیغمبر(ص) می‌فرماید.

#### اختلاط پسر و دختر، خیانت و جنایت به جامعه

گاهی یک سنخ امور را مطرح می‌کنند که مثلاً اختلاط پسر و دختر چه اشکالی دارد؟ ببینید اینها چه جنایتی را نسبت به جامعه دارند مرتکب می‌شوند!! من روایت خواندم. به ده سال که رسید، یک وقت نشود اینها با هم رابطه تنگاتنگ این گونه پیدا کنند. در خلوتگاه والدین بی‌اجازه وارد نشود! به این سن می‌رسد، وقتی به بستر می‌رود، با همجنس خودش در یک جا نخوابد! یک وقت اشتباه نکنید! اول فرمود: أَلصَّبِي وَ الصَّبِي وَ الصَّبِي، دوم: جدا کرد. نه دختران در یک بستر بخوابند و نه پسران! نترسید که می‌گویند: فلانی سنتگرا است. بله افتخار من این است که سنتگرا هستم! چون پیغمبر من سنتگرا است. من تابع او هستم. تابع سنت انسانیّه و الهیه هستم. نه سنت حیوانیه روشنفکرمانه! می‌دانم این حرفها را از چه کسی نقل می‌کنند. نترسید! می‌گویند: سنت‌گرا! بله، افتخارم این است. اولین سنتگرا پیغمبر بود. او می‌گوید، من نمی‌گویم. [#171](#); وَ مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ؛ او از سر هوس سخن نمی‌گوید. هرچه می‌گوید وحی‌ای است که به او شده است.

#### حیا زلیخا از بتش

آنچه که در این باب می‌گوید، با فطرت انسانیت همسو است. ای کاش لااقل می‌رفتند آن بت‌پرست را می‌دیدند و حیا را از او یاد می‌گرفتند. شما قصه حضرت یوسف(علیه السلام) را می‌دانید. من یک روایت از امام باقر (علیه السلام) برای شما می‌خوانم که وقتی از ایشان راجع به جریان حضرت یوسف سؤال می‌شود، حضرت فرمودند: در آنجایی که زلیخا یوسف را به گناه دعوت کرد، پوششی روی بتش انداخت. من یک بخش از روایت را می‌خوانم: [#171](#); فَقَالَ لَهَا يَوْسُفُ: مَا صَنَعْتِ؟؛ یوسف به او گفت: این چه کار بود کردی؟ [#171](#); قَالَتْ: طَرَحْتُ عَلَيْهَا ثُوبًا أَسْتَحْيِي أَنْ يَرَاتَا؛ روی او پوششی انداختم. پیراهن، پوشش را ثوب می‌گویند. خجالت می‌کشم، شرمم می‌آید که ما را ببیند. حیا می‌کنم که این بت، ما را ببیند. [#171](#); قَالَ (عَلِيهِ السَّلَامُ): فَقَالَ يَوْسُفُ (عَلِيهِ السَّلَامُ): فَأَنْتِ تَسْتَحْيِينَ مِنْ صَتْمِكِ وَ هُوَ لَا يَسْمَعُ وَ لَا يَنْصُرُ وَ لَا أَسْتَحْيِي أَنَا مِنْ رَبِّي؟؛ حضرت امام باقر فرمود: که یوسف در جواب او گفت: تو از بت خود حیا می‌کنی، و حال آنکه او نه می‌شنود و نه می‌بیند. نه سمیع است، نه بصیر است. حال من نباید از پروردگارم خجالت می‌کشی؟ تو از بت خود خجالت بکشی، من از خدایم که سمیع و بصیر است خجالت نکشم؟! مرحوم ملاصدرا می‌گوید: مسئله حیا غریزه‌ای انسانی است. ما به الامتیاز انسان از حیوان است. بت‌پرست هم خجالت می‌کشد، اکتسابی نیست. تو از خدایت خجالت نمی‌کشی؟ [#171](#); أَلَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرِي؛ آیا نمی‌داند که خدا می‌بیند؟ مسئله این است که انسان - نگاه کنید؛ انسان را می‌گوید - اگر بخواهد انسانیتش را حفظ بکند، باید پرده‌دار باشد. پرده‌داری انسان را از وادی انسانیت، دور می‌کند. شخص را بیرون می‌کند.

#### وظیفه پدر و مادر در غیرت داشتن نسبت به فرزندان

تمام دستورات دینی ما، دقیقاً حساب شده است. تاماش برای حفظ انسانیت من و تو است؛ و بعد از آن هم برای حفظ الهیت است. هم بعد انسانی، هم بعد الهی است. نگاه کنید از کجا هم شروع می‌کند؟! از همان اول، از محیط خانواده، از همان موقع کودکی دستورات داده شده تا آخر.

اینکه من عرض کردم - ای پدر، ای مادر - بدان تو غیرت داری؟ - گفتم: غیرت، حالتی روحی است که از محبت نسبت به فرزند نشأت گرفته است. به این می‌گویند: غیرت برای حفظ و حراست محبوب - باید هر کس دیگری را که دوست داری، نسبت به او غیرت داشته باشی و او را حراست کنی. ای پدر! که به بچه‌ها علاقه‌مندی! ای مادر! که به بچه‌ها علاقه‌مندی! غیرت داشته باش! او را در بُعد انسانی و الهی‌اش حفظ کن! نگذار مثل حیوانات بشود، ﴿لَنْ الْعِزَّةَ مِنَ الْاِيْمَانِ﴾؛ اگر دین داری باید غیرت داشته باشی و از انسانیت و الهیت وجودی فرزندت حفاظت کنی. بحث ما اینجا است.

منشا بی‌عفتی؛ رواج بی‌حیایی در جامعه است

رابطه میان غیرت و مسئله حیا هم تماماً هماهنگ است. معارف ما اینگونه است، یک انسان - من حتی می‌خواهم بگویم، انسان نه مؤمن! - هر آدمی که بخواهد انسانیت خودش را حفظ کند، باید یک همچنین غیرتی نسبت به بچه‌اش داشته باشد؛ چه دخترش، چه پسرش. اگر بخواهید فرزندانان را عقیف بار بیاورید، بدانید عفت از حیا نشأت گرفته است، شاخه‌ایست از حیا. علی (علیه السلام) فرمود: سبب عفت، حیا است. هر مقدار حیا بالا برود، سطح عفت و پاکدامنی هم بالا می‌رود.

منشأ بی‌عفتی در جامعه ما، بی‌حیایی است. مردم را دریده کردند. عواملی هم که این پرده را می‌درند، متعدد است. پدر و مادر باید بر سرشان بزنند؛ هیچ کار هم نمی‌توانند بکنند. تا آن موقع که در محیط خانواده است، در دست والدین است خوب است. وقتی که رفت بیرون و در محیط آموزشی قرار گرفت، بدبختی او بالا می‌رود. بدتر از همه هم محیط حاکم بر جامعه است. این رسانه‌های تصویری، جنایتکارهای جامعه هستند. نمی‌توانم دیگر حرف بزنم. بفهمید چه کار دارند می‌کنند.

منبع: پایگاه اطلاع رسانی آية الله العظمی حاج آقامجتبی تهرانی